

جنبه های قضائی آزادیهای سیاسی و اجتماعی (مدنی) در ایالات متحده آمریکا و تحولات اخیر آنها

(۳)

ج - آزادی تشکیل اجتماعات و دادخواهی

منشور کبیر انکلیس و اعلامیه حقوق ۱۶۸۹ برای مردم حقوقی شناخته است که بدان لحاظ میتوانند اجتماعات (غیر منحل بنظم) تشکیل دهند و برای مطالبه جبران خسارات غیر عادلانه ای که متحمل گردیده اند ، بحکومت مراجعه نمایند . حقوق مذکور در مقابل هرگونه تجاوز حکومت فدرال و یا حکومت ایالات مورد حمایت قرار گرفته اند و میتوان گفت که این حقوق « بصورت حق آزادی بیان و مطبوعات » و اموری که « اینچنین اساسی باشند جلوه مینماید » .
محکمه عالی اعلام کرده است که :

« سیستم حکومت جمهوری برای مردم قائل بحقوقی است که از آنجمله است حق تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز بمنظور تبادل نظر درباره امور مملکتی و مطالبه جبران خسارات غیر عادلانه ای که افراد تحمل کرده اند » تشکیل اجتماعاتی که هدف آن بحث و مشاوره در باره مسائل عمومی است ، با رعایت مقررات قانونی مربوطه ، جرم نیست و بلحاظ نظریات سیاسی نمیتوان از دامنه این حق کاست و یا آنرا بکلی از بین برد ، مردم بی آنکه مرتکب جرم شوند ، و یا برای برهم زدن نظم مواضعه نمایند حق دارند بطریق قانونی اجتماع تشکیل دهند و به بحث درباره امور عمومی جاری بپردازد . بعلاوه حق دارند ، مطالبه جبران خساراتی را بنمایند که بر آن ها وارد شده است . شناختن این حقوق بطور کامل « باین منظور است که مردم بتوانند بطور آزاد بی بحث در امور مملکتی اقدام نمایند تا حکومت اراده آنها را مراعات نماید و تغییراتی را که موجه و ضروری

بنظر می‌رسد ، بوسائل مسالمت‌آمیز ایجاد نمایند « (۱) میدانگاههای عمومی و شوارع عامه را بشرط رعایت مقررات و نظامنامه هائی که بلحاظ حفظ منافع عمومی ایجاد شده‌اند و تبعیضی بین اجتماعات مختلف قائل نیستند و هیچیک را بردیگران رجحان نمی‌نهند ، میتوان برای تشکیل اجتماعات مورد استفاده قرار داد . (۲) .

حق دادخواهی برای تمام افراد شناخته شده‌است و مردم میتوانند این حق را آزادانه بوسائلی از قبیل نامه ، کارت پستال ، تلگرام - دادخواست ، ملاقاتهای شخصی ، ارتباطات تلفنی اعلام و سایر وسائل دیگر ، اعمال نمایند .

د - آزادی بیان و مطبوعات

۱ - کلیات

بموجب عبارات اصلاح نخستین و چهاردهم ، کنگره و هیچیک از ایالات نمیتوانند قانونی را که آزادی بیان و مطبوعات را محدود مینماید تصویب کنند و یا بموقع اجرا گذارند . حمایت از حق بیان که از راه نطق و مطبوعات تحقق می‌یابد برای اینستکه مردم آزادانه تبادل عقیده نمایند و حکومتها از خواستهای مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی آگاه شوند و تحولات اجتماعی را در جهت خواسته های مردم رهبری کنند .

هیچ عقیده‌ای وجود ندارد که اجتماع حداقل قلمرو مجازی برای آن نشناخته باشد .

عقایدی که مبتنی بر شرک و الحادند و حتی عقاید مخالف با رژیم حاکمه بشرط آنکه متضمن زیانی برای منافع عالیه مملکتی نباشند ، بطور کامل از این تضمینات برخوردارند و مورد حمایت قانون اساسی قرار می‌گیرند . بقاء سازمانهای اجتماعی و سیاسی اجتماع ، با آزادی بیان و گفتار بسته است .

حق آزادی بیان و داشتن عقاید مختلف و برنامه‌های گوناگون یکی از اصول اساسی رژیم ماست و بدینوسیله ما از سیستم‌های توتالیتر (۳) مشخص میشویم .

۱ - De yonge v. oregon 299 u. s 353 (1937)

۲ - Hague V. Committee for industrial organisation 307 u.s 496 (1939)

۳ - توتالیتر رژیم است که دولت بر تمام شئون مملکتی و برنامه های اقتصادی و تجاری و ثروت ملی حاکمیت و دخالت دارد .

در سیستم اجتماعی ما وجود آزادی بیان مستلزم آزادی مباحثات است و این امر « برای کسانی که وضعیت فعلی را بوجود آورده‌اند ایجاد نگرانی و دلوپسی میکند چه در چنین وضعیتی عدم رضایت مردم خشم آنها را برمی‌انگیزد » بقسمی که حتی باساس موضوع نیز خلل وارد میشود .

هدف مبارزات تاریخی بمنظور بدست آوردن مطبوعات آزاد « برای اعمال و حفظ حقوق مردم انگلستان بوده است تا بتوانند از خط مشی حکومت و کجرویهای آن مطلع شوند . بدین جهت است که این سنت بوسیله اصلاح نخستین نیز تحکیم شده است . این اصلاح مبین اینست که در اجتماعی که روح افراد آزاد است باید پیوسته انتقاد وجود داشته باشد و حتی همانطوریکه برای بیان عقاید مذهبی موقعیتی وجود دارد برای عقاید کفرآمیز هم محلی باشد » .

۲ - حدود این آزادیها

حق آزادی بیان و مطبوعات محدود به حدود خاصی نیست . اصلاح نخستین حتی الامکان از حق آزادی بیان و مطبوعات و تشکیل اجتماعات حمایت مینماید و این حق نه تنها برای تشکیل انجمنهای مذهبی است بلکه برای سایر مجامع علمی و تحقیقی نیز هست .

آزادی مطبوعات فقط ناظر بروزنامه‌ها و انتشاراتی که بطور منظم و یامتناوب منتشر میشوند نیست ، بلکه همچنین درباره جزوه‌ها و رساله‌های سیاسی و مطبوعات و شامل انواع و اقسام نشریاتی است که بعنوان وسائل اطلاعاتی و ترویج عقاید بکار میروند ، خواه درقبال آنها وجهی دریافت شود و یا آنکه بطور مجانی توزیع گردند . این آزادی درباره چاپ کردن و منتشر ساختن نشریات مختلفه وجود دارد . اما بااستناد داشتن چنین حقی نمیتوان مردم را فریب داد و برای اضافه کردن شماره‌های روزنامه از آنها پول گرفت . آزادی مطبوعات منحصرأ درباره مقالات و اظهار عقیده نیست انتشاراتی که بهر کیفیت برای اجتماع ارزنده باشند از همان حمایتی برخوردارند که بهترین مطالب ادبی برخوردار است .

فیلم و رادیو نیز از تضمیناتی که قانون اساسی از آزادی بیان و مطبوعات نموده است برخوردارند . در خصوص دعوائی اخیراً قضات مشهور دو گلاس و بلیک خاطر نشان کرده‌اند که تمام رژیمهایی که کنترل نشریات - سخنرانیها

روزنامه‌ها - رومانها - اشعار و کتب و تألیفات و امور تبلیغاتی مربوط به تلویزیونها یا پیس‌های تأثرها را قبل از انتشار مجاز بشناسند ، « باروح اصلاح نخستین مخالفت مطلق دارند » . این قضات اضافه می‌کنند که در کشور ما هر هنرپیشه‌ای ، هر نویسنده‌ای ، هر کیفیتی را که برای ادامه کار خود برگزیده باشد ، در پناه قانون اساسی از سانسور در امان است . اصلاح نخستین آزادی بیان را در زمان جنگ نیز مانند دوران صلح تضمین می‌کند . حق انتقاد کردن از دولت بمناسبت شیوه‌ای که در رهبری جنگ ، در پیش گرفته است یا اقداماتی که برای ایجاد صلح معمول میدارد ، معارض با این اصل نیست . آزادی مطبوعات شامل حق انتقاد نسبت به قضاة و محاکم دادگستری نیز میباشد اما این آزادی تا آن حد که به قضات محاکم در مطبوعات توهین شود وسیع نخواهد بود .

۳ - عدم نظارت در مطبوعات و نشریات قبل از انتشار

سباززاتی که بخاطر آزادی مطبوعات ، صورت گرفته است بیش از همه برای این بوده که مطبوعات و انتشارات را از کنترل قدرت عمومی مصون دارند و منظور از آزادی بیان و مطبوعات که موضوع اصلاح نخستین قانون اساسی می باشد اینست که از هرگونه رژیم‌ی که موجب کنترل مطبوعات قبل از انتشار باشد اجتناب شود . هر قانون یا تصویب‌نامه که تشکیل یا شرکت یا عضویت در اجتماعات یا توزیع مطبوعات و انتشارات را موقوف با اجازه مأمورین دولت نماید مغایر با قانون اساسی است .

همچنین سیستمی که استفاده از میدانگاههای عمومی و شوارع عامه را جهت تشکیل اجتماعات منوط بکسب اجازه‌نامه از مقامات معینی نماید برخلاف تضمیناتی است که قانون اساسی از آزادیها نموده است . اولیاء امور عمومی می‌توانند استفاده از شوارع عامه و میدانگاههای عمومی را تابع مقررات خاصی قرار دهند ، اما نمیتوانند مقرراتی وضع نمایند که بموجب آن بمأمورین دولتی حق داده شود که با استفاده از این اماکن به دلائلی که صریحاً در قانون ذکر نشده است مخالفت یا موافقت نمایند مسئله ای که اخیراً مطرح شده است اینست که دانسته شود آیا سازمانها ایالتی میتوانند از نشان دادن فیلمی بمناعت بعمل آورند ؟

محکمه عالی اعلام کرده است که حکومت ایالتی حق ندارد نمایش فیلمی را بدلیل بیحرمتی بمقدسات ممنوع سازد . همچنین تضمینات اتخاذی در باره سانسور

فیلمهایی که مضر و خلاف اخلاق شناخته شده‌اند ، بدون هیچگونه استدلالی باطل اعلام شده‌اند .

معدالک آزادیهایی که قانون اساسی در این مورد شناخته است مطلق نیست تهیه هنر نوع فیلم ، در هر جا و هر کیفیت مجاز نمی‌باشد با وجود این محکمه عالی سانسور فیلمها را مجاز ندانسته است ، آزادی بیان و مطبوعات بدون مرز نیست و حکومت میتواند از سوءاستفاده‌هایی که از این آزادی‌ها میشود جلوگیری کند بعبارت دیگر حمایتی که قانون اساسی از این آزادیها در مقابل سانسور می‌نماید « بطور مطلق غیر محدود نیست » : باین معنی که این نوع وسائل را برای کنترل انتشاراتی که اعمال نامشروع را توجیه می‌کنند میتوان بکار برد اما « این مواد استثنائی است » و باید به‌حدود معینی محدود شود و بالاخره باید از وضع هنر نوع نظامنامه‌ای که سانسور را مجاز شناسد اجتناب شود . (۱) .

ع - نظامات مربوط با آزادی بیان و مطبوعات

حق آزادی بیان و مطبوعات در تمام مواقع و در هر اوضاع و احوال ، مطلق نیست و چنین حقی « مفهوم این معنا نیست که هر کس بتواند هر چه می‌خواهد بگوید یا در هر وقت و به هر کیفیت که مایل باشد ، هر آنچه اراده کند منتشر سازد و از وی بازخواستی بعمل نیاید . » بلکه حقوق دیگران نیز باید رعایت گردد . قاعده‌ای که ذیلا نقل می‌کنیم بصورت فرمول در مرافعه **CHAPLINSKE** بیان گردیده است .

« برخی از انواع محدود و مشخص مطالب چنانند که جلوگیری کردن از بیان آنها یا محکوم کردنشان هرگز تخطی از اصول قانون اساسی تلقی نمی‌شود این مطالب عبارتند از بیانات خلاف عفت و عصمت و اظهارات مخالف حیا ، کفرآمیز و فضاحت‌انگیز ، موهن یا تجاوزکارانه . کسانی که چنین مطالبی اظهار کنند به افراد جامعه و بنظم عمومی زیان می‌رسانند باید خاطر نشان ساخت که این قبیل بیانات در افاده هیچ عقیده‌ای عامل اساسی نیستند و فقط از نظر اجتماعی بعنوان وسایل رذیله‌ای تلقی میشوند که با نظم عمومی و اخلاق حسنه اجتماع مبیانت دارند و تقاضای تجدید نظر در توصیفی که محکمه از کلمات بعنوان کفرآمیز موهن نموده است از جمله مواردی نیست که این کلمات وسیله مبادله افکار و اندیشه‌ها

بوده و بوسیله قانون اساسی تضمین شده باشند، بعلاوه اگر عمل مشمول مجازاتهای جنبه‌های بزرگ باشد مورد حمایت قانون اساسی قرار نخواهد گرفت. «
 رأی دیگری نیز صادر شده است که از نظر اجرای قانون ایالتی در مورد « هتاکی نسبت بگروه » انتشارات توهین آمیز نسبت بیک گروه اجتماعی بعلت نژاد، اعتقاد و یا مذهبشان محکوم گردیده است و در یک مورد تأکید شده است که بیان مسائل فضاحت انگیز در اماکن عمومی مورث اختلال بنظم عمومی است (۱) بیحرمتی بمقدسات از جمله آزادیهای بیان و مطبوعات نیست تا بوسیله قانون اساسی حمایت شود. (۲)

انتشار تصاویر شهوت انگیز بمنزله امر « خلاف عفت و عصمت » شناخته شده است لیکن بدیهی است که صور قبیحه یا امور « خلاف عفت و عصمت » مترادف نیستند و هر گاه تصاویر مذکور فقط بعنوان کارهای هنری و علمی باشند بحکم آزادی مطبوعات و بیان که در قانون اساسی شناخته شده است نمیتوان از انتشار آن جلوگیری کرد. در مرافعه « رت » محکمه عالی اعلام کرده است که قانون فدرال که انتشار « امور خلاف عفت و عصمت » را قدغن کرده است موافق با روح قانون اساسی است چه بموجب این قانون ارسال کتب و نشریات خلاف عفت بوسیله پست و نیز فروش همین کتب ممنوع شناخته شده است.

اخیراً محکمه عالی حکمی را که در موضوع فروش یک کتاب صادر شده است و انتشار کتاب مذکور بلحاظ خلاف عفت و عصمت بودن قدغن گردیده است نقض کرده و اعلام داشته است که آزادی اشخاص بالغ در خواندن یک کتاب بدین دلیل که کتاب مذکور برای صغار مناسب نیست، محدود نمی گردد. (۳) برخی انتشارات و بعضی از صور و مطالب اگر هدف آنها صرفاً تجارتنی باشد ممکن است برای حمایت از زندگی اجتماعی دیگران ممنوع شوند لیکن این ممنوعیت مغایر اصول قانون اساسی اعلام شده است.

استفاده از بلندگو برای ایراد سخنرانی در اماکن عمومی مانند کوچه و باغهای عمومی، ممنوع گردد یا تابع قواعد مربوطه به نفع عمومی باشد. ممکن

۱ - Beauharnai sv. Illinois 343 u.s

۲ - United-State 354 u.s 476 (1957)

۳ - Bultr v. Michigan 77. c.ct 524 (1951)

است طبق قانون اساسی از سخنرانی در کوچه‌ها بسبب اختلال نظم و شورش و طغیان یا مزاحمت در رفت و آمد وسائط نقلیه یا راهگذرها، جلوگیری کرد برعکس سخنرانی در سالن اجتماعات مجاز است و باستناد اینکه نطق و خطابه سخنران ایجاد انقلاب می‌کند یا مشاجراتی در پی دارد، نمیتوان آنرا محکوم کرد زیرا در اینجا موضوع عبارتست از استیفاء مشروع حق آزادی بیان.

۵ - نظریه علمای حقوق در باره خطر آشکار و قریب الوقوع

در آراء متعددی محکمه عالی نظریه‌ای را که بموجب آن تحدیدات وارده به آزادی بیان، مذهب، مطبوعات، تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز و مطالبه زیان وارده، جز بلحاظ حدوث خطر بین و آنی، قابل توجیه نیست، بعبارت دیگر نمیتوان از این آزادیها کاست بسبب خطری مهم و فوری که تهدیدی متوجه منافع نماید که حفظ آن منافع از وظایف حکومت فدرال یا حکومت‌های ایالات است محکمه عالی اعلام کرده است که ممکن است «فوریت» موجب محدودیت چنین آزادیها بشود. مع هذا در تمام موارد محکمه عالی بین تحریک و ترغیب کردن یا تدارک آلات و اسباب جرم و تسهیل اجرای آن یا شروع بجرم و مواضعه و توطئه برای ارتکاب جرم تمیز قائل شده است.

قاعده‌ایکه ذیلا بیان خواهد شد چگونگی تشخیص فوریت و آشکار بودن خطر را بیان مینماید. بموجب این قاعده (امر بد) باید حقیقتاً فوق العاده شدید و خطیر باشد و قریب الوقوع بودن آن نیز مسلم گردد، تا آنگاه مشمول ضمانت اجرای مقرر قانونی گردد. شناختی که نسبت به خطر آشکار و آنی وجود داشته است بوسیله ضابطه جدیدی که جانشین آن شده تغییر نموده و از قدرت اجرائی آن کاسته شده است بموجب ضابطه جدید موضوع عبارت از این است که بدانیم آیا شدت و اهمیت عمل بد تا آن درجه رسیده است که برای اجتناب از آن آزادی بیان و مطبوعات را محدود سازیم؟

در مرافعه Dennis محکمه عالی حکم محکومیت رهبران حزب کمونیست را بدین دلیل که تشکیلات حزب کمونیست را بوجود آورده و مردم را به برانداختن حکومت باتوسل به زور تحریک کرده‌اند، تأیید کرده است. (18 u.s.c. (1946 Ed).

۶ - آزادی عدم اظهار عقیده

اعلامیه حقوق که حق بیان فردی را حمایت نموده است، با...

اختیار نداده است که افراد را مجبور کنند آنچه را می‌اندیشید بیان نمایند. اساس چنین آزادی‌هایی که بوسیله قانون اساسی تضمین شده است «آزادی فردی است که بموجب آن نمیتوان کسی را اجبار نمود که اندیشه‌های خود را بر زبان آورد، یا علیه مذهبش شهادت خطابدهد» هیچیک از حکومت ایالات یا حکومت فدرال نمیتواند فردی را مجبور سازند اعلام کند که بمذهبی اعتقاد دارد یا ندارد. (۱)

۷ - آزادی عدم استماع و آزادی زندگی خصوصی

محکمه عالی بتازگی در مورد مرافعه‌ای رأی داده است که انتشار برنامه‌های موسیقی رادیو و وسائل نقلیه بنگاه‌های حمل و نقل مخالف با مقررات اصلاح نخستین و پنجم قانون اساسی نیست این محکمه اعلام کرده است که متصدیان امور نمیتوانند برای چنین فعالیت‌هایی محدودیت ایجاد نمایند مگر اینکه این امور بآسایش و امنیت عمومی خللی وارد سازند یا برنامه‌های رادیوئی شامل اموری باشد که مستوجب کفر است.

در رأی دیگری قاضی مشهور بلکه خاطر نشان ساخته است که اجبار مسافران وسائل نقلیه با استماع مطالب و برنامه‌های تبلیغاتی رادیو، از هر حیث که باشد، مخالف مقررات قانون اساسی است.

همچنین قاضی دوگلاس تأیید کرده است که قانون اساسی بهرکس حق داده است که «از آرامش برخوردار باشد» و متذکر شده است که مفهوم آزادی اینست که قوای عمومی هیچگونه دخالت در زندگی خصوصی افراد نکنند، این اصل اساس آزادیها و پناهگاه مردم در مقابل تجاوزات حکومتهاست. و اضافه کرده است که آزادی مذهب و بیان نه تنها شامل پرستش خداوند و نوشتن و صحبت کردن و تفسیر مسائل میباشد، بلکه متضمن اجرای آزادانه اعمال مذهبی نیز هست و هیچ حکومت حق ندارد مردم را با استماع برنامه‌های رادیوئی از هر قبیل که باشد مجبور نمایند. زندگی خصوصی افراد زمانی نیز که در اماکن عمومی بسر می‌برند تحت حمایت قانون اساسی قرار دارد و نباید با صداهای گوش‌خراش بلندگوها که برنامه تبلیغات تجارتنی را پخش می‌نمایند زندگی و آسایش مردم را مختل ساخت.

۸ - مالیات بردانش

وضع هرگونه عوارض و مالیات بمنظور محدود ساختن آزادی بیان و

مطبوعات ممنوع است چنین مالیاتی « مالیات بردانش» می‌باشد و با مقررات قانون اساسی مابینت دارد. این منع ناظر بهرگونه مالیات و عوارض است که هدف آن کم کردن شماره روزنامه‌ها و کاستن از انتشار کتابها و جزوه‌ها و جلوگیری از تبلیغ عقاید باشد. انجمن‌های محلی و حکومت‌های ایالتی نمیتوانند با وضع مالیات تبلیغ عقایدی را که نمی‌پسندند ممنوع سازند و قتیکه معافیت مالیاتی بعنوان یک «مزیت ساده» تلقی شود قوای دولتی بمنظور جلوگیری از آزادی بیان و عقیده نمی‌توانند اشخاص ذینفع را از این معافیت محروم سازند هر امتناع تبعیض آمیزی در این خصوص که موجب محظوری در نشر عقاید و بیان مطالب و ایراد سخنرانی باشد با آزادی بیان و مطبوعات که بوسیله قانون اساسی تضمین شده است، مغایرت دارد.

۵ - آزادی تشکیل اجتماعات

سیستم حکومت ایالات متحده مبتنی بر اصلی است که در اصلاح نخستین خلاصه شده است و بموجب این اصلاح تمام افراد حق دارند عقاید سیاسی خود را بیان نمایند و عضویت انجمنها و احزاب سیاسی را قبول کنند. این آزادی طبق سنت با مداخله احزاب سیاسی برای مردم تأمین میشود و هرگونه تحدیدی با آزادی احزاب وارده آید، هر چند احزاب مذکور مخالف اصول سیستم آمریکا یا مخالف عقیده عمومی باشند محدودیت مزبور به آزادیها و لوازم آن وارد شده‌اند (۱).

در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۵۸ محکمه عالی اعلام کرد که بدون تردید آزادی تشکیل اجتماعات برای تبلیغ و ترویج عقاید و اعتقادات، یک عنصر اساسی « آزادی » است و بوسیله اصلاح چهاردهم برای همه افراد تضمین شده است و کیفیت این اعتقادات و امور و اینکه مربوط بمسائل سیاسی، اقتصادی، مذهبی، فرهنگی باشند در اصل موضوع تأثیر ندارند. بین حق آزادی تشکیل اجتماعات و حمایت از جمعیت‌هایی که افراد عضو آن هستند، رابطه‌ای ثابت و ناگسستنی موجود است. این آزادی مخصوص زمانیکه گروهی با اشتیاق عقاید خلاف عقیده عمومی را بر می‌گزیند برای حفظ انجمنها ضروری و اجتناب ناپذیر است. پیروان هیچیک از عقاید مذهبی یا سیاسی را نمیتوان مجبور به بستن باز و بندهای خاص نمود یا آنها را بقبول یا طرفداری از اعتقادات خاص و تمکین به آثار و لوازم آن مجبور نمود. (۲)

۱ - Sweezyv. Newhampshire 354 u.s. 234-250-251 (1957)

۲ - N. A.A.C.P.V. Alabama 357 u.s 449 (1958)